



گاه نامه «تقد و تحسین فیلم» نشر پیام روز
شماره سوم - فیلم سینمایی «فیل»



شناسنامه:

حسن هم دلباخته‌ی خواهر اسی بوده و با رفت و آمد به خانه پدری اسی با خواهرش ارتباط دارد. این سه نفر بعد از خواندن یکی از قطعه‌های موسیقی اعتراضی خود توسط ساواک دستگیر می‌شوند.

ساواک هم از فرصت سو استفاده نموده و از آنها می‌خواهد که برای شاه ترانه‌ی مخصوص تنظیم نموده و اجرا کنند.

همین اتفاق سنگ بنای مقدمات دیدار اسی با شاه می‌شود. اسی و رییس ساواک در راه دیدار شاه تصادف نموده و اسی به کما می‌رود.

اسی بعد از انقلاب از کما خارج شده و از شرایط نو اجتماعی بی‌خبر است. او تلاش می‌کند خودش را با شرایط نو تطبیق دهد. درحالی‌که مختصات شرایط نو و تضاد دو فرهنگ، اسی را از پای درآورده است.

اسی که کلافه شده درصدد یافتن معشوق سابق خود است. پدر دختر بعد از انقلاب پوست انداخته و به ظاهر حزب‌الهی دو آتشه شده است درحالی‌که مشغول بیزینس و احتکار مواد ضروری غذایی مردم است.

اسی از ماجرای احتکار باخبر شده و همین امر منجر به تهدید پدر معشوق و سپس ازدواج می‌گردد.

در شب عروسی اسی، صفا که بعد از انقلاب جذب گروهک منافقین شده حالا در یک عملیات به میهمانان عروسی حمله نموده و اسی خودش را سپر بلای آنها می‌کند.

همین امر منجر به کما رفتن مجددش می‌شود. اسی در زمان ریاست جمهوری آقای دکتر احمدی نژاد به هوش می‌آید...

یک نمای باز:

-فیلم فسیل بعد از چند ماه اکران با پنج میلیون مخاطب و دو بیست و سی میلیارد فروش پربیننده‌ترین و پرمخاطب‌ترین فیلم بعد از انقلاب اسلامی گردید.

«فسیل» فیلمی به کارگردانی کریم امینی است که نوروز ۱۴۰۲ در سینماهای سراسر کشور اکران شد.

امینی سابقه بازیگری در سریال‌های «پرده‌نشین»، «تعبیر وارونه یک رویا» و «سارقان روح»، همچنین فیلم‌های «قدغن»، «پاسیو»، «آبنبات چوبی»، «نیمه‌شب اتفاق افتاد» را دارد.

او علاوه بر «فسیل»، دو فیلم «دشمن زن» و «گره سیاه» را نیز کارگردانی کرده است.

فیلم‌نامه اثر توسط کریم امینی، علی باطنی، حمزه صالحی، آرمین طهماسبی نگاشته شده است.

سیدابراهیم عامریان، تهیه‌کننده آثاری چون تگ‌زاس، انفرادی، دینامیت، تولید این اثر را نیز بر عهده داشته است.

بهرام افشاری، هادی کاظمی، ایمان صفا، الناز حبیبی، الهه حساری، بابک کریمی، سید جواد هاشمی، غلامرضا نیکخواه، سمانه منیری و امید روحانی بازیگرانی هستند که در فیلم «فسیل» ایفای نقش می‌نمایند.

خلاصه داستان:

اسی، حسن و صفا، سه دوست صمیمی خانه‌یکی هستند. پیش از انقلاب همراه یکدیگر یک بند موسیقی به نام گروه بلک داگز ایجاد می‌کنند.

این سه نوازنده خرده‌پا سر پرسودایی داشته و برای شهرت و موفقیت نقشه‌های زیادی کشیده و دست به هرکاری می‌زنند؛ اسی قصد دارد با اجرا در مقابل محمدرضا پهلوی، پدر معشوقش که یکی از افسران دربار است را تحت تاثیر قرار داده و رضایت او مبنی بر ازدواج دخترش را جلب نماید.

صفا تلاش می‌کند با سرودن ترانه‌های اعتراضی سطحی و کوچه‌بازاری سیاسی، جایگاه ویژه‌ای در قلب مردم ستمدیده کسب کند.



نادیده گرفته شده و افرادی که داخل فیلم هستند، بدلی از شخصیت‌های واقعی‌اند. شخصیت‌هایی که فیلم‌ساز مدعی است آن‌ها را می‌شناسد.

این مدل پرداخت به شخصیت‌های دیگر هم سرایت نموده است. شوخی ناصحیح با گروه منافقین، میزان توحش این افراد را تقلیل داده و آن‌ها را به یک مشت فریب‌خورده بدل نموده است.

چه کسی می‌تواند ادعا کند که خرابکاری این افراد ضربه‌های جبران‌ناپذیری به این انقلاب اسلامی و مردم نزده است.

چرا باید در یک فیلم کمدی این افراد را صرفاً سطحی، احمق و فرصت‌طلب شمرد، در حالی که آن‌ها با غیض و مدیریت توانستند چوب در چرخ انقلاب اسلامی نمایند.

بنابر احمق‌نشان دادن غلو شده منافقین، طبیعتاً افراد کمیته و سپاهیان اوایل انقلاب هم از همین دیدگاه مجزا نیستند.

ملغمه‌ای از شوخی‌های دم‌دستی و اگزوتیک با ادویه جنسی نمی‌تواند سطح عالی سینمای کمدی در این کشور باشد.

کشوری که آوازه‌ی هنرمندان شوخ‌طبعش به جهان و جهانیان رسیده است.

هنرمند با قریحه و نازک‌طبعی خود مسئله‌های اجتماعی را مشاهده نموده، از فیلتر ذهن خود عبور داده و دست به خلق می‌زند.

در جهان دراماتیک فیلم طبیعتاً ردپای جهان‌بینی فیلم‌ساز به چشم می‌خورد. این بینش و عمق جهان‌بینی، بعد از مشاهده فیلم روی مخاطب اثر گذاشته و طبعاً منجر به بینش یا رشد و اعتلای فرهنگی جامعه می‌گردد.

وای به حالی که این روند معکوس گردد. فیلم‌ساز از جهان‌بینی کوچه‌بازاری و سطحی مردم برای خندانند خود مردم وام بگیرد.

- فسیل در نمای کلی به فاصله‌ی بزرگ میان مردم و حاکمیت می‌پردازد. به باور تولیدکنندگان مردم ایران در جستجوی یک زندگی سطحی و غریزی هستند که مانع بزرگی به نام حکومت سد راه آنهاست.

- یکی از مواردی که در فیلم «فسیل» شاهد آن هستیم، استفاده از الگوی نخ‌نمای شوخی‌های جنسی برای خندانند مخاطب است. در این فیلم، ناهنجاری اجتماعی به شکل شوخی‌های دوپهلوی با مضامین جنسی ظاهر می‌شود.

یک نمای بسته:

یکی از مسئله‌های جدی که کم‌کم می‌تواند به تهدید بدل شود، شوخی‌های سطحی و غیرکارشناسانه با مسائل جدی اجتماعی است.

سایه‌ی این معضل روی سیمای سینما افتاده و توده‌ی مردم را بی‌نصیب نگذاشته است. شوخی با مسئله و معضلاتی که اگر به درستی تعلیق نگردند و شرح و بسط نیابند به ضد خودشان بدل می‌گردند.

این تضاد فرهنگی قرار است طراحی یک کمدی را رقم بزند.

اما مسئله اینجاست که فیلم‌ساز نه شرایط قبل انقلاب را به درستی درک نموده و نه از بعد انقلاب اطلاع دقیقی دارد. با حرف‌هایی که از مردم کوچه بازار شنیده، قصد دارد سیمای تاریخ پیش و پس از انقلاب را اغراق شده ترسیم نماید تا مخاطب را برای خریدن بلیط ترغیب کند.

از طرف دیگر این فقدان شناخت، منجر به عدم پرداخت صحیح از شخصیت‌ها شده است. شخصیت‌ها مانکنی از شخصیت هستند.

مه‌ره‌هایی در دست فیلم‌ساز که صرفاً آن‌ها را به دلخواه جابه‌جا می‌کند.

شخصیت که یکی از ارکان قطعی و مهم سینماست در این فیلم



اینجا دقیقاً نقطه‌ی سقوط زیبایی‌شناسی است. این روند در فیلم‌فارسی‌های پیش و پس از انقلاب مشهود است. ساواک می‌کشاند. ساواک از آن‌ها تعهد می‌گیرد که باید شعرهای آن‌ها در ستایش شاه و اصطلاحاً اعلی‌حضرت باشد.

ادبیات رایج زیستی کوچه‌بازاری و نوع تفکر دم‌دستی یا خرافه‌گری از مردم وام گرفته می‌شود و در یک فیلم به خود مردم تحویل داده می‌شود. این بند موسیقی تلاش می‌کند تا رضایت ساواک را جلب کند. بعد از جلب رضایت، بنا می‌شود که رییس بند با شاه دیدار کند و آهنگ‌های خود را در کاخ شاه اجرا کنند.

مردم هم از اینکه تصویر مخدوش پنهانی خودشان را - که از دیگران پنهان می‌کنند - روی پرده می‌بینند، شگفت‌زده شده و قهقهه می‌زنند. در همین حین، تصادفی اتفاق افتاده و رییس بند به کما می‌رود. انقلاب شده و رییس بند بعد از ده سال از کما بیرون می‌آید.

سنگ بنای کمدی «فسیل» همینجاست. مطرب قبل انقلابی باید در فضای اوایل انقلاب زیست کند. ماجرای برخی فیلم‌های کمدی شبیه ناسزا زدن کودک در جمع خانواده است. خانواده از شدت غافل‌گیری قهقهه می‌زند.

این خنده‌ها نوعی واکنش عصبی به موقعیت غیراخلاقی که رقم خورده، است. حالا همین نخ تسبیح را گرفته و وارد دنیای فیلم‌های کمدی این روزها گردیم. فردی که قبل به کما رفتن عاشق دختری از افسران ارشد رژیم پهلوی بوده و با رفقاییش بساط مشروب داشتند، باید حالا سرود انقلابی بخواند.

ناخودآگاه این جنس روایت مخاطب را همراه و سمپات پیش از انقلاب نموده و پس از انقلاب را به نوعی مسخره می‌نماید. این خنده‌ها نوعی واکنش عصبی به موقعیت غیراخلاقی که رقم خورده، است. حالا همین نخ تسبیح را گرفته و وارد دنیای فیلم‌های کمدی این روزها گردیم. لوده‌گری‌هایی که از جنس کمدی، طنز و شوخی نیستند، بلکه آنقدر این رفتارها اگزوتیک شده‌اند که مخاطب از حیرت و شگفتی به قهقهه می‌افتد.

بعد از سینما هم در گوش یکدیگر نجوا می‌کنند چطور شده است که به این فیلم مجوز داده‌اند؟ چطور آن صحنه را از فیلم درنیاورده‌اند؟

محسن بدرقه (منتقد سینما)

نماینده‌ی تهران دفتر تبلیغات اسلامی با همکاری میز کار تخصصی سبک‌زندگی اسلامی قطب‌های فکری فرهنگی

بنابراین دعوا سر لحاف ملا می‌شود. زیبایی‌شناسی به قهقرا رفته و بی‌پروایی و تهور جای آن را می‌گیرد. هر فیلم‌سازی بتواند بیشتر از خط قرمزهای هنجاری جامعه عبور کند، آن قهرمان ملی شده و اقبال مخاطب به سوی اوست.

«فسیل» از همین آبشخور تغذیه می‌کند. خواننده‌ای قبل انقلاب تلاش می‌کند اسم و رسمی برای خود دست و پا کند.

او با هم‌بندهای خود در کافه‌های شهر می‌نوازند و می‌خوانند. یکی از نوازنده‌ها که ژست مخالفت با رژیم را دارد، کار آن‌ها را به



تصاویری از فیلم سینمایی

«فسیل»

